



The Relationship Between Attachment Styles, Parenting and Tolerance of Failure with Academic Self-Efficacy in Secondary School Girls in Tehran

Sakineh Bayat Moghaddam^{1*}

1. M.A. School Counseling, Islamic Azad University, Roudhen Branch, Counseling Department, Tehran, Iran

Citation: Bayat Moghaddam, S. (2024). The relationship between attachment styles, parenting and tolerance of failure with academic self-efficacy in secondary school Girls in Tehran. *Clinical Psychology Achievements*, 9(4), 43-54.

Abstract

The purpose of the present study was to investigate the relationship between attachment styles, parenting and tolerance of failure with academic self-efficacy in secondary school girls in Tehran. The descriptive research method is correlation type. The statistical population includes girls in the second year of high school who referred to the health centers of Shemiranat region of Tehran in the academic year of 2023-2024. 250 people were selected as a sample using the voluntary non-random sampling method, and they were asked Armsden and Greenberg Attachment Questionnaires. (1987), Bamirand's Parenting Style (1967), Harrington's Failure Tolerance (2005) and Academic Self-efficacy by Jink and Morgan (1999) answered. Data analysis was done using Pearson's correlation coefficient and multiple regression. The results of the research showed that academic self-efficacy has a positive and significant relationship with the attachment style of trust (0.44) and communication (0.39). Also, academic self-efficacy has a negative and significant relationship with alienation attachment style (-0.51). Academic self-efficacy has a negative and significant relationship with authoritarian (-0.52) and free (-0.59) parenting style. Also, academic self-efficacy has a positive and significant relationship with authoritative parenting style (0.44). Tolerance of failure has a positive and significant relationship with academic self-efficacy (0.61). According to the findings of this research, it can be said that school counselors can pay attention to the parenting style of parents and the attachment style of parents to solve the problems of academic self-efficacy and tolerance of student failure.

Keywords: Attachment styles, parenting, failure tolerance, academic self-efficacy

* **Corresponding Author:** Sakineh Bayat Moghaddam
E-mail: s.bayat.m97@gmail.com





رابطه سبک‌های دلبستگی، فرزندپروری و تحمل ناکامی با خودکارآمدی تحصیلی در دختران متوسطه دوم شهر تهران

سکینه بیات مقدم*

۱. کارشناسی ارشد مشاوره مدرسه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، گروه مشاوره، تهران، ایران

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی و فرزندپروری و تحمل ناکامی با خودکارآمدی تحصیلی در دختران دوم متوسطه شهر تهران بود. روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری شامل دختران دوره دوم متوسطه مراجعه کننده به مراکز بهداشت منطقه شمیرانات تهران در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ است که با استفاده از روش نمونه گیری غیر تصادفی داوطلبانه تعداد ۲۵۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند و به پرسشنامه های دلبستگی به والدین آرمسدن و گرینبرگ (۱۹۸۷)، سبک فرزندپروری بامیرند (۱۹۶۷)، تحمل ناکامی هارینگتون (۲۰۰۵) و خودکارآمدی تحصیلی جینک و مورگان (۱۹۹۹) پاسخ دادند. تحلیل داده‌ها، با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه انجام شد. نتایج پژوهش نشان داد که خودکارآمدی تحصیلی با سبک دلبستگی اعتماد (۰/۴۴) و ارتباط (۰/۳۹) رابطه مثبت و معناداری دارد. همچنین خودکارآمدی تحصیلی با سبک دلبستگی بیگانگی (۰/۵۱-) رابطه منفی و معناداری دارد. خودکارآمدی تحصیلی با سبک فرزندپروری آمرانه (۰/۵۲-) و آزاد (۰/۵۹-) رابطه منفی و معناداری دارد. همچنین خودکارآمدی تحصیلی با سبک فرزندپروری اقتدار (۰/۴۴) رابطه مثبت و معناداری دارد. تحمل ناکامی با خودکارآمدی تحصیلی (۰/۶۱) رابطه مثبت و معناداری دارد. با توجه به یافته های این پژوهش می توان گفت مشاوران مدرسه می توانند برای حل مشکلات خودکارآمدی تحصیلی و تحمل ناکامی دانش آموزان به سبک فرزندپروری والدین و سبک دلبستگی والدین توجه کنند.

کلید واژه ها: سبک‌های دلبستگی، فرزندپروری، تحمل ناکامی، خودکارآمدی تحصیلی

مقدمه

خانواده نخستین و کوچک‌ترین و منسجم‌ترین گروهی است که جامعه بر آن بنا نهاده شده و در اشکال، ساختارها و کارکردهای مختلف، به عنوان یک منبع حیاتی برای رفع نیازها و مراقبت از اعضای خود و کانون اصلی سلامت جامعه محسوب می‌شود. چگونگی کمیت خانواده در تحقق وظایف خویش، شاخص مناسبی جهت ارزیابی عملکرد اعضای خانواده آن در جامعه می‌باشد. سبک‌های فرزندپروری (Parenting Styles) از عوامل مؤثر بر شکل‌گیری شخصیت فرزندان است (Scharff, 2014).

سبک‌های فرزندپروری رفتارهای متنوع و بهنجاری است که والدین برای کنترل کردن و اجتماعی کردن فرزندان خود به کار می‌برند. سبک فرزندپروری شامل دسته‌ای از گرایش‌ها، کارها و مسائل غیرکلامی است که می‌تواند چپستی تعامل کودک و والدین را در همه جا مشخص کند (محمدی گنجه و همکاران، ۱۳۹۶). مطالعات بامیرند (Baumrind, 1981) درباره کودکان و والدینشان از معروف‌ترین‌ها درباره شیوه‌های فرزندپروری است. والدین یکی از سه سبک فرزندپروری ادراک شده مقتدر، مستبد و سهل‌گیر را دارند (رحمانپور، ۱۳۹۸). هدف بامیرند در نظریه‌اش مطالعه تأثیر عوامل گرمی و کنترل بوده است. او سه سبک تعامل را که در دو جنبه با هم متفاوتند معرفی کرده است. دو جنبه عبارتند از: الف- والدینی که تعیین تکلیف می‌کنند و وادار به انجام تکالیف می‌کنند. ب- والدینی که گرم و پذیرا هستند. در واقع بامیرند با ترکیب این دو عامل توانست که سه سبک فرزندپروری ادراک شده را بسازد: سبک فرزندپروری ادراک شده مقتدر، سبک فرزندپروری ادراک شده مستبد و سبک فرزندپروری ادراک شده آزادگذار (درخواست پایین و پاسخ بالا). بامیرند (Baumrind, 1981) سبک چهارم نیز به نام سبک فرزندپروری ادراک شده بی‌توجه (درخواست پایین و پاسخ پایین) را اضافه کرد (Lisa & Green, 2018).

از عوامل مرتبط با سبک فرزندپروری، سبک دلبستگی چلچله و فقیهی، (۱۴۰۲)؛ پاندی و همکاران (Pandey et al., 2023) است. در واقع می‌توان گفت سبک دلبستگی و برخورداری از یک محیط امن و مراقبتی، تأثیر مستقیمی بر سازگاری زناشویی دارد (Arielle et al., 2013). سبک دلبستگی به الگوهای درون کاری بدست آمده از پیوندهای عمیق عاطفی مادر- کودک می‌گویند که شکل پاسخ‌های رفتاری افراد به جدایی نگاره‌های دلبستگی و پیوند مجدد با این نگاره‌ها را تعیین می‌کنند. سبک‌های دلبستگی، قواعد عاطفی و شناختی و راهبردهایی که واکنش‌های هیجانی را در افراد و روابط بین فردی را هدایت می‌کنند، تعیین می‌کند (Crugnola et al., 2011). انواع سبک دلبستگی عبارتند از: دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا (Secure, avoidant and ambivalent attachment) (Bowlby, 1980; Hocking et al., 2016). ثابت شده که خاطرات دلبستگی کودکی می‌تواند به عنوان یک عامل پیش‌بینی کننده قدرتمند برای روابط رمانتیک بزرگسالی در نظر گرفته شود (Gresham & Gullone, 2012). داشتن سبک دلبستگی ایمن با بالا بردن سطح روابط صادقانه و دوستانه منجر به موفقیت در ازدواج و نگرش مثبت به ازدواج و آمادگی بالا برای ازدواج دارند. اما کسانی که سبک دلبستگی اجتنابی بالا دارند، درگیری احساسی کمی دارند و بر استقلال ساختگی خود تکیه دارند و نگرش منفی‌ای به ازدواج و آمادگی کمی برای ازدواج دارند. همچنین افراد دارای سبک دلبستگی مضطرب نیز روابط نزدیک بسته و محدودی را با شریک زندگی‌شان دارند و با عاشق شدن به راحتی وابسته می‌شوند و ازدواج را تکمیل‌کننده عملکرد دلبستگی می‌دانند (Mikulincer, 2008). معمولاً روابط اولیه در درون خانواده شکل می‌گیرد اما به موازات رشد فرد، ارتباط او با همسالان اهمیت بسیاری پیدا می‌کند (برزگر بفرویی و همکاران، ۱۳۹۵).

بهبود دلبستگی به والدین ممکن است در کاهش رفتارهای منفی مانند مشکلات رفتاری و مشکلات عاطفی برجسته باشد. در حالی که بهبود دلبستگی به همسالان می‌تواند برای نمایش رفتار اجتماعی مهم باشد. پس در این میان، بعد از دلبستگی به والدین، یکی از روابط و پیوندهای عاطفی که در سال‌های نوجوانی و جوانی برای افراد اهمیت بیشتری می‌یابد، رابطه و پیوند عاطفی با دوستان و همسالان است (شیخ‌الاسلامی و راهپیمان، ۱۳۹۵).

یکی دیگر از متغیرهای تأثیرپذیر از سبک دلبستگی و فرزندپروری، وو (Wu, 2024)؛ و کونگ و یاسمین (Kong & Yasmin, 2022) تحمل ناکامی است. دانش‌آموزان ممکن است گاهی به خاطر موانع و شرایط خاص، به آرمان‌های خود نرسند و دچار ناکامی شوند، تحمل ناکامی به معنای توان مقاومت در برابر شکست‌ها و موانع و شرایط استرس‌زا است.

ناتوانی در تحمل ناکامی به عنوان عملکرد اجرایی مختل و مشکلاتی در خودتنظیمی تعریف می‌شود و علائم آن اضطراب، تنش، کم توجهی و ترک تحصیل است (Chand, 2025). ناکامی زمانی ایجاد می‌شود که فرد به هدف مطلوبش نمی‌رسد و شکل پیچیده‌ای از انگیزش به وجود می‌آید (عباسی و همکاران، ۱۳۹۵).

گاه‌ها ناکامی‌ها به خاطر شرایط بیرونی مثل ایستادن در صف و یا بی‌کفایتی ایجاد شده، اما در اکثر موارد ناکامی یک ریشه درونی دارد که باعث کاهش سازگاری فرد می‌شود. تحمل ناکامی در واقع توانایی فرد برای مقاومت در برابر ناکامی است بی‌آنکه در سازگاری روانی فرد مشکلی ایجاد شود و به رفتارهای ناپسند دست بزند (میلانی‌فر، ۱۳۹۹).

از متغیرهای تأثیرپذیر از سبک دلبستگی و فرزندپروری می‌توان به خودکارآمدی تحصیلی نوری (۱۴۰۲)؛ خزائی پول و همکاران (۱۴۰۱) اشاره کرد. خودکارآمدی تحصیلی به معنای باورهای دانش‌آموزان و دانشجویان درباره توان کسب سطح معینی از تکالیف است (Altunsoy et al., 2018). باورهای خودکارآمدی از سازه‌های روان‌شناختی است که مرتبط با حوضه مدیریت تجارب تنیدگی‌ها است و در واقع خودکارآمدی نشانه توانایی فرد در ایجاد نتایج خوشایند می‌باشد، به عبارتی دیگر خودکارآمدی به باورهای افراد درباره توانایی‌های خود برای تجهیز منابع شناختی و انگیزشی و اراده برای کنترل یک اتفاق است (آقاییوسفی و همکاران، ۱۳۹۳). خودکارآمدی یک سازه چند بعدی است و ارزیابی آن وابسته به بافت نتایج است پس پژوهشگران ثابت کرده‌اند که در وضعیت‌های تحصیلی اندازه‌گیری خودکارآمدی تحصیلی در مقایسه با خودکارآمدی کلی بهتر است (Zajacova et al., 2015). خودکارآمدی تحصیلی و پیشرفت تحصیلی با هم در ارتباطاند (پکران و استپانز (Pekrun & Stephens, 2010). ثابت شده دانشجویانی که در یادگیری و اجرای تکالیف احساس خودکارآمدی دارند پیشرفت بالاتری دارند و جدی‌تر فعالیت می‌کنند و استقامت بالایی در برابر ناکامی دارند (Dombo & Jakobowski, 2014).

در پژوهش ثمری صفا و همکاران (۱۴۰۰) ثابت شد که خودکارآمدی تحصیلی تأثیر مستقیمی بر اضطراب یادگیری دارد. وو (Wu, 2024) در پژوهشی که به بررسی تأثیر سبک دلبستگی والدین و سبک فرزندپروری بر شایستگی عاطفی کودکان پرداخته بودند نتایج نشان می‌دهد که شایستگی عاطفی کودکان با دلبستگی ایمن والد-کودک و سبک فرزندپروری مقتدرانه همبستگی مثبت دارد. همچنین کونگ و یاسمین (Kong & Yasmin, 2022) در مطالعه‌ای با عنوان تأثیر سبک فرزندپروری بر یادگیری در دوران کودکی: نقش واسطه‌ای خودکارآمدی والدین انجام داده بودند یافته‌های مطالعه حاضر نشان می‌دهد که سبک فرزندپروری مقتدرانه با نتایج یادگیری در بین دانش‌آموزان ارتباط مثبت دارد. علاوه بر این، نقش میانجی خودکارآمدی والدین آزمایش شده است و ثابت شده است که میانجی بالقوه بین سبک والدینی و نتایج یادگیری کودکان است. در پژوهش‌های صورت گرفته در کشور، پژوهشی که در سبک‌های فرزندپروری و دلبستگی و تحمل ناکامی و رابطه آن با خودکارآمدی تحصیلی پرداخته باشند، مشاهده نگردید. این پژوهش در واقع، بین رشته‌ای محسوب می‌شود. نتایج این پژوهش می‌تواند با کمک مشاوران در سیستم آموزش و پرورش برای بهبود سبک‌های فرزند پروری و افزایش حمایت خانواده و خودکارآمدی تحصیلی و تحمل ناکامی دانش‌آموزان بکار رود. با این حال، خلاءهایی در این زمینه همچنان وجود دارد. اول اینکه، تحقیقات بیشتری در مورد بهترین شیوه‌های فرزندپروری والدین برای ارتقاء خودکارآمدی تحصیلی دانش‌آموزان مورد نیاز است. دوم اینکه، برای موفقیت در امر تربیت باید والدین به مهارت‌هایی از جمله مهارت فنی (دانش کافی و به روز)، مهارت انسانی (توانایی برقراری ارتباط مطلوب با فرزندان) و مهارت‌های ادراکی (درک درست از مسائل و مشکلات) مسلط باشند. با توجه به آنچه ذکر شد پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به این سؤال است که آیا بین سبک‌های دلبستگی و فرزندپروری و تحمل ناکامی با خودکارآمدی تحصیلی در دختران دوم متوسطه شهر تهران رابطه معناداری وجود دارد؟

روش پژوهش

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

پژوهش حاضر از لحاظ هدف کاربردی و توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری پژوهش شامل دختران دوره دوم متوسطه مراجعه‌کننده به مراکز بهداشت منطقه شمیرانات تهران در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ بود. با توجه به جامعه آماری و

ماهیت تحقیق با استفاده از روش نمونه‌گیری غیر تصادفی داوطلبانه و با توجه به ۰/۲۰ افت آزمودنی بر اساس منطق رگرسیون تعداد ۲۵۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند و کسانی که داوطلب شرکت در پژوهش بودند به پرسشنامه‌های پژوهش پاسخ دادند. برای تحلیل داده‌ها از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۶ انجام شد.

ابزار پژوهش

پرسشنامه دل‌بستگی به والدین (Attachment Questionnaires to Parents): این مقیاس را آرمسدن و گرینبرگ (Greenberg & Armsden, 1987) برای سنجش دل‌بستگی به والدین ساختند. یک نسخه آن ۲۸ سؤال و برای سنجش دل‌بستگی به والدین است. دارای سه زیرمقیاس اعتماد، بیگانگی و ارتباط است. نمره گذاری این مقیاس در طیف لیکرت سه درجه‌ای از ۱ تا ۳ بود. دامنه نمرات بین ۱-۸۴ بوده است. در پژوهش گالون و رابینسون (Gullone & Robinson, 2005) پایایی زیرمقیاس اعتماد به والدین، ۰/۸۳، ارتباط با والدین ۰/۷۹ و بیگانگی از والدین ۰/۷۶ محاسبه شده و در نسخه همسالان نیز اعتماد به همسالان ۰/۷۸، ارتباط با همسالان ۰/۶۲ و بیگانگی از همسالان ۰/۶۶ گزارش شده است. در ایران ناصری (۱۳۹۱) ضریب آلفای کرونباخ را برای زیر مقیاس اعتماد به والدین ۰/۷۴، ارتباط با والدین ۰/۷۶ و بیگانگی از والدین ۰/۶۹ گزارش نمودند و همچنین برای نسخه همسالان، اعتماد به همسالان ۰/۷۸، ارتباط با همسالان ۰/۶۲ و بیگانگی از همسالان ۰/۴۲ بوده است. همچنین، روایی هم‌زمان این پرسشنامه نیز با استفاده پرسشنامه پیوند والدین مورد بررسی قرار دادند که نتایج آن نشان دهنده‌ی روایی هم‌زمان مطلوب آن بود. پایایی این پرسشنامه در پژوهش حاضر با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۸ بدست آمد.

پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری بامیرند (Parenting Styles Questionnaire by Bamirand): این پرسشنامه توسط دیانا بامیرند (Bamirand, 1967) ساخته شده است. این پرسشنامه دارای ۳۰ سؤال است که ۱۰ سؤال آن به شیوه آزادگذاری مطلق، ۱۰ سؤال به شیوه آمرانه و ۱۰ سؤال دیگر به شیوه اقتدار منطقی والدین به امر پرورش فرزند مربوط می‌شود. مادران و پدران با مطالعه هر سؤال نظر خود را با علامت × و بر حسب یک مقیاس پنج درجه‌ای (لیکرت) مشخص می‌کنند. این مقیاس از صفر تا ۴ نمره گذاری می‌شود و با جمع نمرات، ۳ نمره مجزا در مورد آزادگذاری مطلق، آمرانه و اقتدار منطقی برای هر آزمودنی، به دست می‌آید. هر آزمودنی در هر مقیاس نمره بین ۰ تا ۴۰ بدست می‌آورد که برافراستگی بیشتر هر کدام از ابعاد نشانگر شیوه غالب فرزندپروری آن والد است. اسفندیاری (۱۳۷۴) اعتبار بازآزمایی این پرسشنامه را برای سهل گیرانه ۰/۶۹، برای آمرانه ۰/۷۷ و برای اقتدار منطقی ۰/۷۳ گزارش کرده است همچنین روایی محتوایی این مقیاس را تأیید کردند (مؤمنی و امیری، ۱۳۸۶). در پژوهش حاضر پایایی این پرسشنامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برای سهل گیرانه ۰/۷۱، برای آمرانه ۰/۷۴ و برای اقتدار منطقی ۰/۷۹ بدست آمده است.

پرسشنامه تحمل ناکامی (Failure Tolerance Questionnaire): پرسشنامه تحمل ناکامی توسط هارینگتون (Harrington, 2005) طراحی و اعتباریابی شده است، این پرسشنامه شامل ۳۵ گویه بسته پاسخ بر اساس طیف پنج درجه‌ای لیکرت (شامل: کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم) می‌باشد، این پرسشنامه چهار مؤلفه تحمل عاطفی، تحمل ناراحتی، پیشرفت و شایستگی را مورد سنجش قرار می‌دهد، این پرسشنامه توسط رحیمی و افشارنیا (۱۳۹۶) اعتباریابی شده است. عامل اول: تحمل عاطفی، مانند عدم تحمل استرس (سؤالات ۱، ۵، ۹، ۱۳، ۱۷، ۲۱، ۲۵). عامل دوم: تحمل ناراحتی، مانند عدم تحمل مشکلات و گرفتاری‌ها (سؤالات ۳، ۷، ۱۱، ۱۵، ۱۹، ۲۳، ۲۷). عامل سوم: پیشرفت، مانند عدم تحمل اهداف پیشرفت (سؤالات ۴، ۸، ۱۲، ۱۶، ۲۰، ۲۴، ۲۸). عامل چهارم: شایستگی، مانند عدم تحمل بی‌عدالتی و خشنودی (سؤالات ۲، ۶، ۱۰، ۱۴، ۱۸، ۳۲، ۳۶، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵). نمرات بین ۳۵ تا ۷۰، ضعیف. نمرات بین ۷۰ تا ۱۴۰، متوسط. نمرات بالای ۱۴۰، بسیار بالا می‌باشد. ضرایب پایایی زیرمقیاس‌ها و نمره کل در پژوهش رحیمی و افشارنیا (۱۳۹۶) با استفاده از آلفای کرونباخ به ترتیب ۰/۷۰، ۰/۶۵، ۰/۶۲، ۰/۷۱ و ۰/۸۴ است. در مطالعه رحیمی و افشارنیا (۱۳۹۶) برای بدست آوردن روایی پرسشنامه از نظرات استاد راهنما و چندین تن از دیگر اساتید و متخصصین و کارشناسان استفاده شده است. در پژوهش حاضر پایایی این پرسشنامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۱ بدست آمده است.

پرسشنامه خودکارآمدی تحصیلی (Academic Self-efficacy Questionnaire): این پرسشنامه توسط جینک و مورگان (Morgan & Jink, 1999) ساخته شده و دارای ۳۰ سؤال بوده و هدف آن بررسی میزان خودکارآمدی دانش‌آموزان از ابعاد مختلف (استعداد، یافت، کوشش) می‌باشد. این پرسشنامه بر اساس مقیاس لیکرت (کاملاً مخالفم، ۱؛ مخالفم، ۲؛ موافقم، ۳، کاملاً موافقم، ۴)؛ سؤال‌های ۴، ۵، ۱۵، ۱۶، ۱۹، ۲۰، ۲۲ و ۲۳ به صورت معکوس است. نمرات بین ۳۰ تا ۵۲، ضعیف. نمرات بین ۵۲ تا ۷۵، متوسط. نمرات بالای ۷۵، بسیار خوب می‌باشد. جینک و مورگان (۱۹۹۹) پایایی این مقیاس را با ضریب آلفا کرونباخ ۰/۸۹ بدست آوردند. پایایی این پرسشنامه با آزمون آلفای کرونباخ ۰/۸۲ بدست آمده است و برای خرده مقیاس‌ها به ترتیب ۰/۶۶، ۰/۷۸، ۰/۷۰ است، همچنین روایی محتوایی این مقیاس را تأیید کردند (بنی‌اسدی و پورشافعی، ۱۳۹۱). در پژوهش حاضر پایایی این پرسشنامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۳ بدست آمده است.

یافته‌ها

برای بررسی آزمون فرضیه‌های پژوهش از آزمون‌های پارامتریک، ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. شرط اول بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها است، از این رو در ابتدا به بررسی نرمال بودن داده‌های پژوهش پرداخته شد. البته لازم به ذکر است مهم‌ترین شروط آزمون پارامتریک عبارتند از: ۱- سطح سنجش متغیر وابسته فاصله‌ای باشد. ۲- توزیع داده‌ها نرمال باشد. به منظور بررسی نرمال بودن داده‌های مربوط به متغیرهای تحقیق، از آزمون شاپیرو ویلک استفاده شد. نتایج مربوط به نرمال بودن توزیع داده‌ها در متغیرهای مورد بررسی نشان داد سطح معنی‌داری آزمون شاپیرو ویلک در مؤلفه‌های پژوهش بیشتر از ۰/۰۵ است پس فرض صفر (نرمال بودن توزیع داده‌ها) تأیید می‌شود.

جدول ۱. جدول همبستگی چندگانه متغیرهای پیش‌بین و ملاک

مدل	همبستگی چندگانه	واریانس تبیین شده	واریانس تعدیل شده	خطای استاندارد برآورد	تغییرات F	درجه آزادی ۱	درجه آزادی ۲	سطح معناداری
فرزندپروری آزاد	-۰/۵۹	۰/۴۵	۰/۴۴	۴/۶۱	۸/۴۵	۱	۲۴۹	۰/۰۰۱
دلبستگی بیگانگی	-۰/۵۱	۰/۳۹	۰/۳۸	۳/۵۹	۶/۳۹	۱	۲۴۸	۰/۰۰۱
تحمل ناکامی	۰/۶۱	۰/۵۰	۰/۴۹	۳/۴۱	۵/۹۹	۱	۲۴۷	۰/۰۰۱

با توجه به جدول ۱ می‌توان گفت که همبستگی خودکارآمدی تحصیلی با سبک فرزندپروری آزاد ۰/۵۹ است و می‌تواند ۰/۴۵ خودکارآمدی تحصیلی را پیش‌بینی کند. همچنین همبستگی خودکارآمدی تحصیلی با سبک دلبستگی بیگانگی ۰/۵۱- است و می‌تواند ۰/۳۹ خودکارآمدی تحصیلی را پیش‌بینی کند. همچنین همبستگی خودکارآمدی تحصیلی با تحمل ناکامی ۰/۶۱ است و می‌تواند ۰/۵۰ خودکارآمدی تحصیلی را پیش‌بینی کند.

جدول ۲. رابطه استاندارد و غیراستاندارد متغیرهای پیش‌بین و ملاک

متغیر	ضرایب استاندارد نشده		T	سطح معناداری
	B	Beta		
مقدار ثابت	۶۱/۱۱		۲۳/۱۷	۰/۰۰۱
فرزندپروری آزاد	-۰/۵۹	۰/۴۵	۵/۷۴	۰/۰۰۱
دلبستگی بیگانگی	-۰/۵۱	۰/۳۹	۳/۳۴	۰/۰۰۱
تحمل ناکامی	۰/۶۱	۰/۵۸	۴/۵۸	۰/۰۰۱

با توجه به جدول ۲ جدول ضرایب رگرسیون نشان می‌دهد که با توجه به اینکه قدر مطلق t در تحمل ناکامی، بیشتر است و ضریب استاندارد شده آن ۰/۵۸ است، می‌توان نتیجه گرفت، تحمل ناکامی رابطه قوی‌تری با خودکارآمدی تحصیلی دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی و فرزندپروری و تحمل ناکامی با خودکارآمدی تحصیلی در دختران دوره دوم متوسطه مراجعه‌کننده به مراکز بهداشت منطقه شمیرانات تهران انجام گرفته است. نتایج پژوهش نشان داد که خودکارآمدی تحصیلی با سبک دلبستگی اعتماد (۰/۴۴) و ارتباط (۰/۳۹) رابطه مثبت و معناداری دارد. همچنین خودکارآمدی تحصیلی با سبک دلبستگی بیگانگی (۰/۵۱-) رابطه منفی و معناداری دارد. خودکارآمدی تحصیلی با سبک فرزندپروری آمرانه (۰/۵۲-) و آزاد (۰/۵۹-) رابطه منفی و معناداری دارد. همچنین خودکارآمدی تحصیلی با سبک فرزندپروری اقتدار (۰/۴۴) رابطه مثبت و معناداری دارد. تحمل ناکامی با خودکارآمدی تحصیلی (۰/۶۱) رابطه مثبت و معناداری دارد. یافته‌های این پژوهش با نتایج پژوهش‌های با نتایج پژوهش‌های صالحی چلچله و فقیهی (۱۴۰۲)، نوری (۱۴۰۲)، خزائی پول و همکاران (۱۴۰۱)، مصطفی سرباز و همکاران (۱۳۹۹)، رحیمی نژاد و رحیمی نژاد (۱۳۹۸)، سیفی و بازارویچ قادراف (۱۳۹۷)، وو (Wu, 2024)، پاندی و همکاران (Pandey et al., 2023) و کونگ و یاسمین (Kong & Yasmin, 2022) همسو می‌باشد.

نتایج پژوهش خزائی پول و همکاران (۱۴۰۱) نشان داد بین متغیرهای سبک فرزندپروری مقتدرانه با خودکارآمدی ارتباط معنادار مثبت و بین متغیرهای فرزندپروری مستبدانه و فرزندپروری سهل‌گیرانه با خودکارآمدی رابطه معنادار منفی مشاهده شد. بر این اساس، شیوه‌های فرزندپروری تأثیر مؤثری در خودکارآمدی خواهد داشت. وو (Wu, 2024) در پژوهشی که به بررسی تأثیر سبک دلبستگی والدین و سبک فرزندپروری بر شایستگی عاطفی کودکان پرداخته بودند نتایج نشان می‌دهد که شایستگی عاطفی کودکان با دلبستگی ایمن والد-کودک و سبک فرزندپروری مقتدرانه همبستگی مثبت دارد. کونگ و یاسمین (Kong & Yasmin, 2022) در مطالعه‌ای با عنوان تأثیر سبک فرزندپروری بر یادگیری در دوران کودکی: نقش واسطه‌ای خودکارآمدی والدین انجام داده بودند یافته‌های مطالعه حاضر نشان می‌دهد که سبک فرزندپروری مقتدرانه با نتایج یادگیری در بین دانش‌آموزان ارتباط مثبت دارد. علاوه بر این، نقش میانجی خودکارآمدی والدین آزمایش شده است و ثابت شده است که میانجی بالقوه بین سبک والدینی و نتایج یادگیری کودکان است. سبک والدین اولیه با اتخاذ انواع شیوه‌های فرزندپروری بهینه توسط والدین در دوران کودکی، از جمله حساسیت مادر و پاسخگویی به نیازهای کودکان، رفتار گرم و محبت‌آمیز والدین و نظارت مرتبط است. از این رو، سبک والدین اولیه با فرزندپروری اجباری یا خشن و همچنین تمایل به تسلیم آسان در هنگام مواجهه با مشکلات والدین مرتبط است. در چین، مطالعات بیشتری در مورد رابطه بین سبک فرزندپروری، خودکارآمدی والدین و نتیجه یادگیری مورد نیاز است. برنامه‌های فرزندپروری آینده همچنین می‌تواند بر افزایش درک والدین از نیاز به مشارکت والدین در فعالیت‌های بیانی و راهنمایی تمرکز کند. این می‌تواند به آن‌ها کمک کند تا خودکارآمدی والدین خود را حتی بیشتر افزایش دهند (نوری، ۱۴۰۲).

از آنجایی که پژوهش‌های انجام شده نشان داده‌اند که بین سبک‌های دلبستگی و فرزندپروری، تحمل ناکامی و خودکارآمدی تحصیلی رابطه معناداری وجود دارد، می‌توان این فرضیه را به شرح زیر تبیین کرد: سبک‌های دلبستگی و فرزندپروری: سبک دلبستگی امن و فرزندپروری حمایت‌گر، معمولاً با افزایش اعتماد به نفس و اعتماد به دیگران در فرزندان همراه است. این اعتماد و اطمینان می‌تواند به تقویت خودکارآمدی تحصیلی فرزندان منجر شود. تحمل ناکامی: تحمل ناکامی ارتباط مستقیمی با خودکارآمدی تحصیلی دارد. افرادی که به عنوان کودکان تحمل ناکامی را تجربه کرده‌اند و به آن آموخته‌اند، ممکن است سرعت بهتری در مواجهه با چالش‌ها داشته باشند و از خودکارآمدی بیشتری برخوردار باشند. پشتیبانی والدین: پشتیبانی والدین و محیط خانوادگی نقش مهمی بر خودکارآمدی تحصیلی دارد. ارتباط سالم بین والدین و فرزندان و حس اعتماد و امنیت، می‌تواند به تقویت خودکارآمدی تحصیلی فرزندان کمک کند (رحیمی نژاد، ۱۳۹۸).

یافته‌های دیگر این پژوهش نشان داد خودکارآمدی تحصیلی با سبک دلبستگی اعتماد و ارتباط رابطه مثبت و معناداری دارد. یعنی هر چه سبک دلبستگی اعتماد و ارتباط بیشتر باشد، خودکارآمدی تحصیلی بالاتر است. همچنین خودکارآمدی تحصیلی با سبک دلبستگی بیگانگی رابطه منفی و معناداری دارد. یعنی هر چه سبک دلبستگی بیگانگی بیشتر باشد، خودکارآمدی تحصیلی پایین‌تر است و برعکس. یافته‌های این پژوهش با نتایج پژوهش نوری (۱۴۰۲)، غفاری و همکاران (۱۳۹۸)، رحیمی نژاد و رحیمی نژاد (۱۳۹۸)، کوهی مفتخری، اصفهانی، محمودی و گلشنی (۱۳۹۵)، اعتمادی و سعادت (۱۳۹۴)، وو (Wu, 2024)، همسو می‌باشد. نتایج پژوهش نوری (۱۴۰۲) حاکی از اهمیت باور خودکارآمدی و سبک‌های دلبستگی در ارتقاء سرزندگی تحصیلی دانشجویان بود. وو (Wu, 2024) در پژوهش خود نشان داد که شایستگی عاطفی کودکان با دلبستگی ایمن والد-کودک و سبک فرزندپروری مقتدرانه همبستگی مثبت دارد.

در تبیین این یافته می‌توان گفت که در خانواده‌هایی که سبک دلبستگی ایمن دارند، ارتباط و تعامل آزادانه بالاتری بین اعضاء وجود دارد و بحث‌ها و موضوع‌های متنوعی برای تعامل دارند و افراد درباره امور روزمره، تفکرات و احساس خود با هم به راحتی صحبت می‌کنند و با همفکری یکدیگر تصمیم می‌گیرند خودکارآمدی تحصیلی بالاتر است. این خانواده‌ها موضوعات مختلفی را به چالش می‌کشند و فرزندان فرصت اظهار نظر دارند و این باعث رشد توانایی‌های شناختی آن‌ها می‌شود. در این خانواده‌ها که شاغل هستند والدین ساعاتی را اختصاص به گفتگو با خانواده می‌دهند و با فرزندان ارتباط نزدیکی برقرار می‌کنند و از استقلال و تصمیمات آن‌ها حمایت می‌کنند این باعث بالا رفتن خودکارآمدی تحصیلی در آن‌ها می‌شود. از طرفی پاسخگو بودن والدین به نیازهای فرزندان و توجه به نیاز به پیشرفت و تشویق آن‌ها باعث بالا رفتن انگیزه فرزندان و بالا رفتن خودکارآمدی تحصیلی در آن‌ها می‌شود. در خانواده‌هایی که فرصتی برای گفتگو با هم دارند یادگیری و تسلط بر مطالب، کسب مهارت‌های تازه و شایستگی‌ها از کسب نمره اهمیت بیشتری دارد. این خانواده‌ها به فرزندان خود می‌آموزند که چگونه مسائلشان را حل کنند و خودکارآمدی تحصیلی بالا می‌رود. در واقع فرزندان که به این درک می‌رسند که والدینشان به تلاش برای یادگیری و کسب مهارت‌های جدید بیشتر از نتیجه کار اهمیت می‌دهند احتمالاً خودکارآمدی تحصیلی بیشتری دارند. فرزندان تحت تأثیر نگرش‌های والدینشان هستند و بنابراین خودکارآمدی تحصیلی فرزندان برگرفته از نگرش‌های والدین است. اگر فضای خانواده طوری باشد که فرزندان اجازه مشارکت در امور و چالش‌ها را نداشته باشند و به نظر آن‌ها اهمیت ندهند احساس شایستگی و خودباوری‌شان را از دست می‌دهند و دیگر توان تلاش برای آینده و تصمیم‌گیری را ندارند و خودکارآمدی تحصیلی کاهش می‌یابد (کوهی مفتخری و همکاران، ۱۳۹۵).

یافته دیگر این پژوهش نشان داد خودکارآمدی تحصیلی با سبک فرزندپروری آمرانه و آزاد رابطه منفی و معناداری دارد. یعنی هر چه سبک فرزندپروری آمرانه و آزاد بیشتر باشد، خودکارآمدی تحصیلی پایین‌تر است و برعکس. همچنین خودکارآمدی تحصیلی با سبک فرزندپروری اقتدار رابطه مثبت و معناداری دارد. یعنی هر چه استفاده از سبک فرزندپروری اقتدار بیشتر باشد، خودکارآمدی تحصیلی بیشتر است. یافته‌های این فرضیه پژوهش با نتایج پژوهش صالحی چلچه و فقیهی (۱۴۰۲)، سلیمی کوچی و مهروان (۱۴۰۱)، خزائی پول و همکاران (۱۴۰۱)، سیفی و بازروبیج قادراف (۱۳۹۷)، مرادیان و همکاران (۱۳۹۳)، پاندی و همکاران (Pandey et al., 2023) و علی و همکاران (۲۰۲۳) همسو می‌باشد.

نتایج پژوهش صالحی چلچه و فقیهی (۱۴۰۲) نشان داد که خودکارآمدی تحصیلی به طور غیرمستقیم با الگوی ارتباطی گفت و شنود و الگوی همنوایی و به طور مستقیم با سبک فرزندپروری مقتدرانه رابطه مثبت وجود دارد. همچنین نتایج پژوهش سلیمی کوچی و مهروان (۱۴۰۱) نشان داد که بین سبک‌های فرزندپروری والدین (مستبدانه، مقتدرانه و سهل‌گیرانه) در پیش‌بینی خودکارآمدی تحصیلی رابطه چندگانه و معنادار وجود دارد. در پژوهش خزائی پول، نهایندی و مهدیخانی (۱۴۰۱) نتایج نشان داد بین متغیرهای سبک فرزندپروری مقتدرانه با خودکارآمدی ارتباط معنادار مثبت و بین متغیرهای فرزندپروری مستبدانه و فرزندپروری سهل‌گیرانه با خودکارآمدی رابطه معنادار منفی وجود دارد. پاندی و همکاران (Pandey et al., 2023) در پژوهشی نشان داد که بین سبک فرزندپروری و سایر متغیرها یعنی خودکارآمدی و عزت‌نفس رابطه معناداری وجود دارد. همچنین در پژوهش علی و همکاران (Ali, 2023) نتایج نشان داد که وضعیت اجتماعی-اقتصادی خانواده پاسخگو تغییرات در عملکرد تحصیلی کودکان را به دلیل سبک فرزندپروری توضیح می‌دهد. در

پژوهش کونگ و یاسمین (۲۰۲۲) یافته‌های مطالعه نشان می‌دهد که سبک فرزندپروری مقتدرانه با نتایج یادگیری در بین دانش‌آموزان ارتباط مثبت دارد.

در تبیین این یافته می‌توان گفت که سبک فرزندپروری مقتدرانه در مقایسه با سایر سبک‌ها می‌تواند توانایی‌های روانی و اجتماعی بالاتری در کودکان ایجاد کند. این کودکان سازگارتر و باکفایت تربیت می‌شوند و به توانمندی خود اعتماد کافی دارند و استعداد زیادی در پیشرفت دارند و کمتر دچار مشکل می‌شوند. معمولاً کودکانی که تحت فرزندپروری مقتدر تربیت می‌شوند و والدین با آن‌ها ارتباط باز و مناسب دارند و آزادی و استقلال کافی بر اساس سنشان دارند، کمتر دچار مشکلات رفتاری می‌شوند و خودکارآمدی تحصیلی بالاتری دارند، هر چه حمایت و پاسخ‌دهی والدین بیشتر باشد خودکارآمدی فرزندان بهتر است. اما کودکانی که تحت سبک‌های ناسازگارانه فرزندپروری هستند معمولاً سبک‌های ناسازگارانه دارند و برای اجتناب از تجارب هیجانی تلاش‌های ناموفق دارند و بیشتر دچار مشکل در خودکارآمدی تحصیلی می‌شوند (وب و همکاران، ۲۰۱۹). سطح پایین محبت و گرمی و مراقبت ناامن و طرد و استفاده از تنبیه با دلبستگی نایمن مرتبط است و هیجانات منفی در روابط از راه بازداری هیجانی می‌تواند در روابط با دیگران در بزرگسالی مشکل ایجاد کند چون که روابط مناسب با افراد مهم در زندگی معمولاً با خودکارآمدی تحصیلی مرتبط است. کودکانی که تحت سبک فرزندپروری نامناسب بزرگ شده‌اند خودکارآمدی پایینی دارند و نمی‌توانند هیجانات و عواطفشان را کنترل کنند و وقایع بد را به خوبی پشت سر بگذارند (علی و همکاران، ۲۰۲۳).

و همچنین یافته دیگر این پژوهش نشان داد تحمل ناکامی با خودکارآمدی تحصیلی رابطه مثبت و معناداری دارد. یعنی هر چه نمرات تحمل ناکامی بالاتر باشد، نمره خودکارآمدی تحصیلی بالاتر است و برعکس. بنابراین فرضیه پژوهش تأیید می‌شود. یافته‌های این پژوهش با نتایج پژوهش مصطفی سرباز و همکاران (۱۳۹۹)، مرادی و همکاران (۱۳۹۷)، سسیلیا بیلو (۲۰۲۱) و فلیسیدا و همکاران (۲۰۱۹) همسو می‌باشد. نتایج پژوهش مصطفی سرباز و همکاران (۱۳۹۹) نشان داد که میزان خودکارآمدی تحصیلی و تحمل ناکامی در دانش‌آموزان دارای اختلال ریاضی کمتر است. مرادی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهش خود نشان دادند که تفاوت معناداری در تحمل ناکامی، خودکارآمدی و بهزیستی روان‌شناختی دانشجویان شاغل و غیر شاغل وجود ندارد. سسیلیا بیلو (۲۰۲۱) نشان داد که تحمل ناکامی و خودکارآمدی و ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی در کودکان دو والد بیشتر بود. فلیسیدا و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهش خود ثابت کردند که خودکارآمدی تحصیلی با ادراک ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی و تحمل ناکامی رابطه معناداری دارد.

در تبیین این یافته باید گفت که باورهای خودکارآمدی بر الگوهای تفکر، احساس، عملکرد و برانگیختگی هیجانی فرد مؤثر بوده و در رفتار انسان به صورت میانجی شناختی مهمی نقش ایفاء می‌کند. به عبارت دیگر، بر این که آن‌ها چطور رفتار کنند باورهای افراد درباره‌ی توانایی‌هایشان و نتیجه‌ی تلاش‌هایشان تأثیر می‌گذارد. بدیهی است که انسان در موقعیت‌هایی که به توانایی خود احساس اطمینان می‌کند تفکر، احساسات و رفتار انسان متفاوت از رفتار وی در موقعیت‌هایی است که در آن عدم امنیت و یا فقدان صلاحیت حس می‌کند. به این نکته می‌توان اشاره کرد که باورهای خودکارآمدی به مهارت‌های افراد مربوط نمی‌شوند، بلکه به آنچه شخص باور دارد و می‌تواند تحت شرایط ویژه‌ای انجام دهد مربوط می‌شود. این مسأله می‌تواند کمک کند تا توضیح داده شود که چرا گاهی تناقض بین رفتار افراد با توانایی‌های واقعی آنان وجود دارد. چرا که ممکن است رفتار افراد حتی هنگامی که از نظر دانش و مهارت در سطح برابری قرار دارند، متفاوت باشد. بندورا (۱۹۷۷)، به عنوان بخشی از این سیستم خود-نظارتی، مفهوم خود-کارآمدی را مطرح کرد. بندورا فرآیند تفکر و عمل را اینگونه توصیف می‌کند، فرآیندی که از طریق یک نظام خود، افراد را قادر می‌سازد تا بر افکار، عواطف، و عملکرد خود اعمال کنترل نمایند در نتیجه تحمل ناکامی در فرد افزایش می‌یابد (رضایی نسب، ۱۳۹۸). مطالعات مختلفی وجود رابطه مثبت بین خودکارآمدی تحصیلی و تحمل ناکامی را مطرح کرده‌اند. مثلاً پنتریچ و همکاران (۲۰۱۷) به جمع‌بندی مطالعات مختلف در خصوص خودکارآمدی، بیان داشته‌اند که خودکارآمدی به درگیری بیشتر و در نتیجه بهزیستی و تحمل ناکامی بهتری می‌تواند منجر شود. خودکارآمدی اطمینان‌خاطری است که شخص درباره انجام فعالیت خاصی از توانایی‌های خود احساس می‌نماید؛ این مفهوم تأثیری بر میزان تلاش و سطح عملکرد فرد گذارده و به معنای قضاوت فرد

در مورد توانایی‌هایش برای انجام یک عمل است و در نتیجه شخص را می‌تواند به اتخاذ رفتارهای ارتقاء دهنده و یا قادر به ترک رفتارهای آسیب‌زا و مضر سازد. بنابراین این یافته را می‌توان بیان کرد، افرادی که خودکارآمدی تحصیلی بالا دارند به علت اعتماد به توانایی‌های خود، تحمل ناکامی بیشتر نشان دهند. جامعه آماری پژوهش حاضر دانش‌آموزان دختر دوره دوم متوسطه بودند و در تعمیم یافته‌ها به سایر جوامع باید احتیاط شود. در پایان پیشنهاد می‌شود که مشاوران مدارس به دنبال برگزاری دوره‌های آموزشی برای والدین دانش‌آموزان در زمینه سبک فرزندپروری باشند. همچنین مدارس و مراکز آموزشی می‌توانند برنامه‌های حمایتی برای افزایش تحمل ناکامی و تشویق به تلاش و پیشرفت دانش‌آموزان ارائه کنند، این برنامه‌ها می‌توانند از ترغیب و افزایش خودکارآمدی تحصیلی پشتیبانی کنند.

منابع

- اعتمادی، عذرا و سعادت، سجاد. (۱۳۹۴). نقش سلامت خانواده و سبک‌های دلبستگی در پیش‌بینی خودکارآمدی تحصیلی دانشجویان. *دوماهنامه علمی- پژوهشی راهبردهای آموزش در علوم پزشکی*. ۸(۴)، ۱۹۵-۲۰۱.
- آقایوسفی، علیرضا؛ خدائی، علی و شکری، امید. (۱۳۹۲). تنیدگی تحصیلی، خودکارآمدی تحصیلی و عملکرد تحصیلی در دانشجویان، *مجله مطالعات روان‌شناسی تربیتی*، ۱۰(۱۸).
- برزگر بفرویی، کاظم؛ اسعدی، سمانه و بیابانی، حلیمه. (۱۳۹۵). مقایسه میزان دلبستگی به والدین، همسالان و خواهر و برادران در نوجوانان درگیر و غیر درگیر در پدیده زورگویی. *فصلنامه‌ی خانواده پژوهی*، ۱۲(۴۷)، ۳۶۹-۳۹۰.
- بنی اسدی، علی و پورشافعی، هادی. (۱۳۹۱). نقش انگیزش و خودکارآمدی تحصیلی و رویکردهای مطالعه در پیشرفت ریاضی دانش‌آموزان رشته‌های علوم تجربی و ریاضی مقطع متوسطه شهر قاین، *فصلنامه اندیشه‌های نوین تربیتی*، ۸(۴) (۳۲).
- ثمیری صفا، جعفر؛ دشتی‌اصفهانی، مهلا و پوردل، مژگان. (۱۴۰۰). تدوین مدل سرزندگی تحصیلی بر اساس ارتباط با مدرسه، جو عاطفی خانواده، انگیزش، خودکارآمدی و درگیری تحصیلی دانش‌آموزان. *مجله پژوهش‌های مشاوره*، ۲۰(۷۷): ۲۲۵-۲۵۶.
- خزائی‌پول، مریم؛ نهانندی، لیلا و مهدیخانی، ملیحه. (۱۴۰۱). بررسی رابطه سبک‌های فرزندپروری با خودکارآمدی در دانش‌آموزان مقطع متوسطه دوم، *دهمین کنفرانس بین‌المللی دستاوردهای نوین پژوهشی در علوم تربیتی، روان‌شناسی و علوم اجتماعی، تهران*.
- رحمانپور، زهره. (۱۳۹۳). مقایسه سبک‌های مختلف فرزندپروری از لحاظ هوش هیجانی، انگیزه پیشرفت و گرایش به رفتارهای خرابکارانه در دانش‌آموزان پس پایه دوم دبیرستان شهر. *پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز*.
- رحیمی‌نژاد، عباس و رحیمی‌نژاد؛ محسن. (۱۳۹۳). رابطه سبک دلبستگی به والدین با سلامت روان و تحمل ناکامی در نوجوانان. *مجله خانواده پژوهی*، ۱۰(۳۷): ۹۹-۱۱۱.
- رحیمی، نسیم و افشاری‌نیا، کریم. (۱۳۹۶). پیش‌بینی سرسختی روان‌شناختی بر اساس میزان تمایز یافتگی و تحمل ناکامی در سالمندان، *مجله روان‌شناسی پیری*، ۳(۲): ۱۲۷-۱۳۶.
- سلیمی‌کوچی، مژگان و مهروان، راضیه. (۱۴۰۱). رابطه بین خودکارآمدی بر اساس سبک‌های فرزندپروری والدین (مستبدانه، مقتدرانه و سهل‌گیرانه) در بین دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه شهر دزفول، اولین کنفرانس ملی تازه‌های روان‌شناسی تکاملی و تربیتی، بندرعباس.

- سیفی، مژگان و بازرویچ قادراف، قادر. (۱۳۹۷). نقش میانجی‌گری خودکارآمدی تحصیلی در رابطه بین سبک‌های فرزندپروری و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان. پژوهش در نظام‌های آموزشی دوره ۱۲، ۱۲۷۰-۱۲۶۱.
- شیخ الاسلامی، راضیه و راه‌پیما، سمیر. (۱۳۹۵). نقش واسطه‌ای هویت معنوی در رابطه بین دلبستگی به والدین و همسالان با تاب‌آوری. روان‌شناسی معاصر، ۱۱(۱)، ۶۲-۴۷.
- صالحی چلچله، قاسم و فقیه‌ی، علینقی. (۱۴۰۲). تدوین مدل مسئولیت‌پذیری و خودکارآمدی تحصیلی بر اساس الگوهای ارتباطی خانواده با نقش میانجی سبک‌های فرزندپروری. پژوهشنامه اسلامی زنان و خانواده، ۱۱(۳۲): ۲۹-۹.
- عباسی، حسین؛ کریمی، بهروز و جعفری، داوود. (۱۳۹۵). اثربخشی درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد بر تحمل ناکامی و نگرش‌های ناکارآمد مادران دانش‌آموزان با کم توانی ذهنی. روان‌شناسی افراد استثنایی، ۶(۲۴)، ۸۱-۱۰۸.
- غفاری، فاطمه؛ فتوکیان، زهرا؛ حسینی، سیدجواد و محمودیان، آمنه. (۱۳۹۸). رابطه تاب‌آوری و سبک‌های دلبستگی با خودکارآمدی تحصیلی دانشجویان پرستاری دانشگاه علوم پزشکی بابل. مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی، ۱۹(۸۲)، ۲۳۱-۲۳۸.
- کوهی مفتخری اصفهانی، منصوره؛ محمودی، غلامرضا و گلشنی، فاطمه. (۱۳۹۵). رابطه خودکارآمدی و سبک‌های دلبستگی با انگیزش پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دبیرستانی دختر، فصلنامه توانمندی‌های کودکان، ۷(۱۷): ۲۳-۳۶.
- محمدی گنجه، محمد؛ امان الهی، عباس و عباسپور، ذبیح‌الله. (۱۳۹۶). آزمون مدل رابطه تعارض‌های زناشویی و سبک‌های فرزندپروری والدین با ترس از صمیمیت با میانجی‌گری سبک‌های دلبستگی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه شهید چمران اهواز.
- مصطفی سرباز، زهرا؛ ابوالقاسمی، عباس و رستم اوغلی، سهیلا. (۱۳۹۳). مقایسه خودکارآمدی تحصیلی در دانش‌آموزان با و بدون اختلال ریاضی. مجله ناتوانی‌های یادگیری، ۳(۳): ۶۸-۷۸.
- مرادیان، جلال؛ عالی‌پور، سیروس و شهنی ییلاق، شهین. (۱۳۹۳). رابطه علی بین سبک‌های فرزندپروری و عملکرد تحصیلی با واسطه خودکارآمدی تحصیلی و انگیزه پیشرفت. نشریه روان‌شناسی خانواده، ۱(۶۳).
- مؤمنی، فرشته و امیری، شعله. (۱۳۸۶). بررسی رابطه میان انواع سبک‌های فرزند پروری والدین و بروز علائم بی‌اشتهایی روانی در دختران نوجوان ۱۴ تا ۱۷ ساله شهر اصفهان، خانواده پژوهشی، ۳(۲).
- میلانی فر، بهروز. (۱۳۹۹). بهداشت روانی. تهران، انتشارات قومس.
- نوری، محمدرضا. (۱۴۰۲). رابطه خودکارآمدی و سبک‌های دلبستگی با سازگاری تحصیلی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، اولین کنفرانس بین‌المللی روان‌شناسی، علوم اجتماعی، علوم تربیتی و فلسفه، بابل.
- Ali N, Ullah A, Khan AM, Khan Y, Ali S, Khan A, et al. (2023). Academic performance of children in relation to gender, parenting styles, and socioeconomic status: What attributes are important. PLoS ONE 18(11): e0286823.
- Altunsoy, S., Çimen, O., Ekici, G., Atikc, A., Gokmen, A. (2018). An assessment of the factors that influence biology teacher candidates' levels of academic self-efficacy. Procedia Social and Behavioral Sciences. 2(2): 2377-2382.
- Bandura, A. (2010). Social learning theory. Englewood Cliffs, NJ: Prentice-Hall.
- Bandura, A. (2011). Social cognitive theory: an agentic perspective. Annual review of psychology.
- Chand, L. (2015). A study of frustration tolerance in relation to achievement motivation and sports achievements. International Journal of Applied Research, 1(6), 92-94.
- Crugnola, C. R., Tambelli, R., Spinelli, M., Gazzotti, S., Caprin, C., & Albizzati, A. (2011). Attachment patterns and emotion regulation strategies in the second year. Infant Behavior and Development, 34(1), 136-151.

- Gresham, D., & Gullone, E. (2012). Emotion regulation strategy use in children and adolescents: The explanatory roles of personality and attachment. *Personality and Individual Differences*, 52(5), 616-621.
- Hocking, E. C., Simons, R. M., & Surette, R. J. (2016). Attachment style as a mediator between childhood maltreatment and the experience of betrayal trauma as an adult. *Child Abuse & Neglect*, 52, 94-101.
- Jakobwski, T.G., Dombo, M.H. (2014). The relationship of self-efficacy, Identity style, and stage of change with academic self-Regulation. *Journal of college reading and learning*. 35(1): 7 -24.
- Lisa, C., & Green, B. S. (2018). The long- term effects of parenting styles on children: a review of the research an annotated bibliography. *A Developmental Perspective*, 66, 1346-1375.
- Mikulincer, M. (2008). Exploring in individual differences in reactions to mortality salience: Does attachment style regulate terror management mechanism? *Journal of Personality and Social Psychology*, 79, 260-273.
- Pandey, D. R. P., Bansal, S., & Benny, A. (2023). Self-Efficacy and Self-Esteem among Adolescents: Role of Parenting Style. *Indian Journal of Clinical Psychiatry*, 3(01), 5-12.
- Pekrun, R., Stephens, E.J. (2017). Achievement Emotions: A Control-Value Approach. *Social and Personality Psychology Compass*. 4(4): 238-255.
- Kong C & Yasmin F. (2022). Impact of Parenting Style on Early Childhood Learning: Mediating Role of Parental Self-Efficacy. *Front. Psychol.* 13:928629. doi: 10.3389/fpsyg.2022.928629.
- Sheftall, H, Ariell, Mathias, W, Charles, Furr, R, Michael, Dougherty, M, Donald. (2013). Adolescent attachment security, family functioning, and suicide attempts. *Attachment & human development* 15 (4), 368-383.
- Wu, W. (2024). The Effects of Parent-child Attachment Style and Parenting Style on Children's Emotional Competence. *Journal of Education, Humanities and Social Sciences*, 26, 627-633.
- Zajacova, A., Lynch, S. M., & Espenshade, T. J. (2015). Selfefficacy, Stress, and academic success in college. *Research in Higher Education*, 46 (6), 678-706.